

به صف شویم و اجرای حکم اعدام شریفه محمدی را ناممکن کنیم!

امیرجواهری لنگرودی



جمعه ۲۹ تیر ۱۴۰۳ برابر با ۱۹ جولای ۲۰۲۴

انسان‌های شریف و آزادی‌خواه سراسر ایران و جهان؛ در برابر کلیت نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی، برای لغو حکم اعدام کارگر شریف زندانی، «شریفه محمدی» در زندان لاکان - رشت، یک صدا و هماهنگ، در سراسر جهان به صف شویم و فریاد برآوریم: ما خواهان لغو حکم اعدام کارگر زن آگاه و شریف زندانی، خانم شریفه محمدی و آزادی او و همه‌ی زندانیان سیاسی ایران هستیم!

فریاد برآوریم: ای شمایان که در رأس هرم و در بارگاه "بیدادگاه بلخ" نشسته تا به امروز، جز کفر ابلیس، تخم لق دیگری بر زمین نگذاشتید و نکاشتید!

ای شمایان که برای طناب دارتان به دنبال گردن انسان‌های گردن فراز و مدافع آزادی، می‌گردید؛ ای شمایان که به بهانه‌ی واهی اقدام (شورش) مسلحانه علیه نظام‌تان حکم «بغی» را به ناراستی به عضو پیشین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری با جعل وابستگی آن تشکل رسمی و قانونی که سال ۱۳۹۰ قانوناً در وزارت کار به ثبت رسیده، به حزب اپوزیسیون کومه‌له که در خارج کشور فعالیت دارد و مطلقاً هیچ ارتباطی با هم ندارند، متهم کرده؛ و فردی را به به این بهانه به اعدام محکوم کرده‌اید که تا به امروز حتی برای یگانه پسرش (آیدین) اسباب بازی اسلحه نخریده و برپایه‌ی شهادت خانواده و همه‌ی آن‌ها که شریفه محمدی را می‌شناسند، نه در کردستان بوده و نه اسلحه‌ای به‌دست داشته است!

محمود صالحی، کارگر خوشنام و پیر آوازه‌ی جنبش کارگری ایران و از بنیان‌گذاران اصلی «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری»، که هم‌اکنون نیز در زندانی به وسعت کردستان ایران زندگی می‌کند، هرگونه ارتباط اعضای این کمیته با کومه‌له را رد کرده و گفته است: «اگر عضویت در کمیته هماهنگی "بغی" است، بیایید ما را نیز دستگیر کنید؛ چون ما هم زمانی عضو کمیته هماهنگی بودیم».

ای شمایان که چنین سفاکید و چهره خوفناک همه خون آشامان روزگار از چنگیز تا آتیلا و هیتلر و دیگر دیوصفتان ضد آدم، فشرده در کالبد شماست!

و ای شمایان که جز ویرانی زندگی توده عظیم زنان، کارگران بخش‌های صنفی و کارگاهی، خدمات، صنعتی، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، مالباختگان، توان خواهان، کولبران و سوختبران، مردم قهرمان کردستان، بلوچستان، اعراب ساکن جنوب و آذری و ترکمن، لر و عشایر فارس، کاری نکردید، جر غارت و ویرانی سرزمین ایران ۸۵ میلیونی که مردم ستم‌دیده‌اش هر لقمه نان خود را به قیمت فروکاستن جان، از سپیده دمان تا شامگاهان با رنج فراوان به‌دست می‌آورند برنامه‌ای ندارید.

از همین رو برای سرکوب و جلوگیری از اعتراض جامعه، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را که با اتهام «بغی» در صف جاری کردن حکم اعدام گذاشته‌اید!

شرمتان باد که این‌گونه با پلیدی، تنگ نظری و تباهی آفرینی، زندگی را بر زنان و مردان مطالبه‌گر جامعه ما، ناممکن می‌سازید.

برای جامعه ما روشن است که جرم ناکرده کارگر شریف زندان لاکان رشت، شریفه محمدی این است که در مقام زن در برابر حکومت ضد زن استبداد اسلامی، مطالبه‌گری می‌کند!

جرم ناکرده‌ی شریفه محمدی این است که جانبدار تشکل مستقل کارگری «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» یکی از نهادهای مستقل کارگری کردستان است که به‌طور مستقل از کارفرماها و دولت و احزاب و سازمان‌های سیاسی ایجاد شده و تعداد قابل توجهی از کارگران و فعالان کارگری از مناطق مختلف کشور، از جمله کارگر زن شریفه محمدی به آن همراه و طی ۵ تا ۶ سال در آن تشکل مستقل فعال بود؛ فعالیتی که از بیش از ده سال پیش، پس از تولد «آیدین» یگانه فرزندش، قطع گردید. همان مقطع کوتاه اینک خار

چشمان همه «پای تا سرشکمان» یعنی سرمایه‌داران زالو صفت و کرکسان مذهب اسلام ناب محمدی شده است.

خوب چشمان نابینایان را باز کنید و خود را به کرگوشی نزنید. در فرهنگ فارسی درباره‌ی کلمه‌ی «بغی» آمده است «بغی اسم مصدر عربی بغ است به معنای؛ ستم کردن - تعدی و تجاوزکردن - سرکشی - نافرمانی - گردنکشی...». (۱) هیچ کجای فرهنگ لغات ما نیامده «بغی»: "شورش مسلحانه علیه نظام" و یا همراهی و همسویی با یک تشکل کارگری مستقل و رسمی با مشخصه‌ی «کمپته هماهنگی...» است که فعالیت علنی و در چهارچوب قانون داشته است.

شریفه محمدی با آن همه مهربانی بی دریغ و شرافت ذاتی‌اش کجا و ستم کردن، تعدی، گردنکشی و... کجا؟ این اتهام نخ نما و ظاهر فریب که بیشتر براننده‌ی قاضی بی‌دادگاه انقلاب گیلان است، را با کدام توجیه شرعی به عملکرد مدنی و شهروندی شریفه محمدی می‌توان منتسب دانست؟!!

کجای دفاع همه جانبه‌ی یک کارگر زن از حق تشکل مستقل کارگری، جرم شناخته شده که حتی با معیارهای فقهی، این اتهام ناچسب شما خوانایی نداشته و ندارد!

لذا ما در صفی واحد، یکپارچه و هماهنگ در درون و برون مرزها برای آزادی فوری و بی چون و چرای شریفه محمدی کارگر زندانی در زندان لاکان رشت و همه‌ی آنانی که در زندان‌های سراسر ایران با اتهام‌های مشابه در بندند به پا می‌خیزیم و در برابر افکار عمومی بشریت مترقی و مقابل دفاتر اتحادیه‌ها و سندیکا‌های کارگری جهان، سنگر بسته تا چهره‌ی دروغین‌تان را که سرآمد ننگ تاریخ و رسوای خاص و عام هستید، افشا کنیم و مشت شما رسوائیان را باز کنیم!

ما برای لغو قطعی حکم اعدام شریفه محمدی و آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی سراسر ایران، صف در صف، بازو در بازوی هم، به میدان عمل وارد شده و تا پایان نتیجه کار، از پای نخواهیم نشست!

andishe.gbg@hotmail.com

منبع :

(۱) حسن عمید، فرهنگ دو جلدی فارسی، جلد اول، ص ۳۶۲، چاپ امیرکبیر